

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم وېر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن د هیم از آن به که کشور به دشمن د هیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

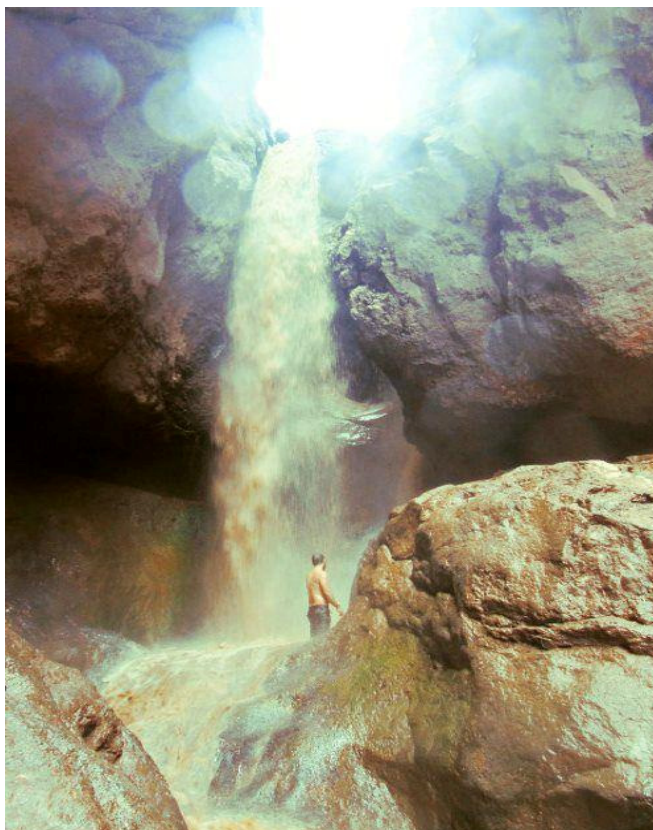
نعمت الله مختارزاده

شهر اسن - المان

15 اکتوبر 2011

گذر هائی در فیس بُک

(گذر پنجم)



محترم داکتر صاحب نادر برهانی نوشته اند

Nader Borhani.

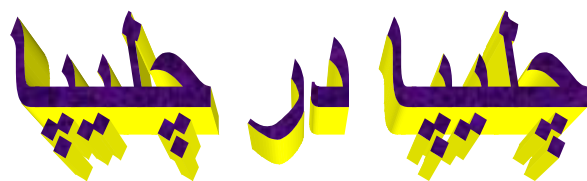
برادر نهایت گرامی و عالیقدرم محترم مختار زاده صاحب عزیز سلام!
پاسخ عالمانه، مقبول، مملو از طنز و اندکی هم با کنایه شما را خواندم، واقعاً که زیبا و آموزشی است!
خواستم اگر فضولی نشود اضافه نمایم اینکه:
هرگاه سروده زیبای شما را (لبخند... ملیح) میتوانستم منحيث وسیله آزمایش، و تعیین آمار احساس
طنز در بین دوستان استفاده کنم (بطور تحریف شده..)، در آنصورت نام خدا همه دوستان نمره های
تاپ و بلند کامیابی را که در اروپا ((۶)) میباشد نصیب میشدند، که بنده به همه دوستان این موفقیت(و
نعمت را) را تبریک عرض مینمایم، چه نعمت بزرگی است داشتن احساس نیک طنز؟
از خداوند تمنا میکنم که به این نعمتش، که پیام آور محبت و صلح است، در وجود بندگان بیفزاید، تا
مانع هر نوع مشاجره و جولان در بین انسانها و خلاصه بشریت گردد، آمین یا رب العالمین!!!!

محترم سید عبدالواحد افضلی نوشته اند

Saeed Abdul Wahed Afzali.

سلام و احترامات بی پایان خویش را خدمت محترم و معظم آقای مختار زاده صاحب تقدیم میدارم، امید
که خسته نباشید. محترم مختارزاه صاحب در رابطه به قدردانی تان روی اظهارات اینجانب و محترم
آقای برهانی صاحب و محترم آروین صاحب که چند بیت عالی بدست نشر سپر...دید اگر زحمت نباشد
در بخش بیت (تحلیل گران به تحلیل ، جولانگران به جولان
عاشق به عشقبازی ، گم کرده مدعا را)
اگر روشنی انداخته شود قبلاً اظهار سپاس می نمایم موفق باشید.ادامه ...

از نعمت الله مختارزاده



الا ای افضلی ! از شهر لندن
چرا؟ سر بر سر ما میگذاری
به هر سو میکشانی شعر ما را
به فرقش مهر رُسوا میگذاری

عجائب پرسشی بزمی و رزمی
ز شوق و ذوق خود جا میگذاری

سؤال عشق، از تحلیل گران
سیاسی کرده حاشا میگذاری

به کام تشنگان وحدت و حُب
همیشه، نان و حلوا میگذاری

ولی اندر دهان شیخ و ملا
عسل را با مربا میگذاری

سمند گفت و گوها، در تشاجر
به جولانش، چلیپا میگذاری



ز سیمینِ عمر، چیزی نگفته
به ملازاده، ره وا میگذاری

ولی سیمین به ما، چون خاله اندر
جوانش خوانده، بالا میگذاری

اگر از پیش، بینی چهره اش را
عجایب نقطه ها را میگذاری

ولی از پیکر و اندام ایشان
چلیپا در چلیپا میگذاری

اگر باور نداری ، حرفِ ما را
خطابش از چه ایلا میگذاری
به ملازاده روز و شب دلنگان
که شاید صیغه مُجرا میگذاری
سخن در دیگ و گپ در کامِ سیمین
به حلقش، لا و اِلا می گذاری
جوانی رفت و آمد فصلِ پیری
جوابش را ، معما میگذاری
ز ماشیندارِ الفاظش چه گویم
به چادر نمره، چند تا می گذاری
ولی شش نمره ، یعنی صفرِ در صفر
چه ، به ، گر نمره یک را میگذاری
مواظب ، سنجشِ غربیست اینجا
ز امریک و اروپا میگذاری
سؤال ده را پاسُخ، درخت است
به مجنون، گرز لایلا میگذاری
چه یوسف ها به چاه و بند و زندان
برادر ، هم زلیخا میگذاری
قلم شوقِ نوشتن دارد اما
که سیمین، سر به صحرا میگذاری
همین جا نقطه نقطه ، نقطه نقطه
که « نعمت » دل به دریا میگذاری